

## پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز

محمد باصری<sup>1</sup>، محمدرضا رستگار<sup>2</sup>، احسان طالبی<sup>3</sup>، مصطفی مزارعی<sup>4</sup>

پذیرش: 98/5/27

دریافت: 98/4/18

### چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی پیش‌بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر شیراز بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز که در سال تحصیلی 1397-1398 مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری پژوهش حاضر متشکل از 200 نفر بود که نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. به این صورت که از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز، ناحیه 2 و 4 به صورت تصادفی و از هر ناحیه دو دبیرستان متوسطه دوم پسرانه و دو دبیرستان متوسطه دوم دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شد. از هر مدرسه نیز یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه‌های هوش اجتماعی ترومسو، عملکرد تحصیلی فام و تیلور و پرسش‌نامه سبک‌های مطالعه مارتون و سلجو روی آنان اجرا شد. داده‌ها با استفاده از رگرسیون به روش هم‌زمان و گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک مطالعه با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. همچنین ابعاد علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با میزان سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. میزان عملکرد تحصیلی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** هوش اجتماعی، سبک مطالعه، عملکرد تحصیلی.

1. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، پرسنل دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسؤول، mohammadbaseri353@yahoo.com
2. کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.
3. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.
4. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

## مقدمه

از وظایف اصلی آموزش و پرورش در هر کشور انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعدادها و دانش‌آموختگان و آماده کردن آنان برای شرکت فعال در جامعه است؛ بنابراین آموزش افراد به‌منظور تصدی امور مختلف ضروری می‌نماید و مسأله موفقیت یا عدم موفقیت در امر تحصیل از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع است. موفقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هر جامعه نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است؛ بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان آن در مقاطع مختلف بیشترین و بالاترین رقم را داشته باشد (مرادی‌مقدم، 1390). اتکینسون<sup>1</sup> و همکاران (1998)؛ به نقل از سیف، (1392) عملکرد تحصیلی را توانایی آموخته‌شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه‌شده یا به‌عبارت دیگر، توانایی آموخته‌شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به‌وسیله آزمون‌های استانداردشده، اندازه‌گیری می‌شود.

عملکرد تحصیلی به موفقیت فراگیران در امور تحصیلی اشاره دارد که بر اساس آزمون‌ها، قابل سنجش باشد (حقانی و خدیوزاده، 1394) و همچنین انجام دادن کاری است برای به دست آوردن نتیجه مطلوب و برتری و تفوق در یک مهارت یا گروهی از معلومات (شعاری نژاد، 1391). پیشرفت تحصیلی یعنی موفقیت در یادگیری دروس مدرسه‌ای، وقتی فرد در یک موقعیت برنامه‌ریزی با هدف‌های مشخص تحصیل قرار می‌گیرد و در صورتی که بتواند به تمامی هدف‌های از پیش تعیین‌شده برسد، پیشرفت تحصیلی کامل دارد و در صورتی که به برخی از هدف‌ها برسد پیشرفت نسبی کسب کرده است (نسیم و همکاران، 1392). مهارت‌های مطالعه عبارت‌اند از مجموعه‌ای از مهارت‌های مطالعه که در سازمان‌دهی و به دست آوردن اطلاعات جدید، حفظ اطلاعات، یا برپایی آزمون نقش دارند. این روش‌ها عبارت‌اند از یادیارها و نکته‌برداری که در به خاطر سپردن فهرستی از اطلاعات، خواندن مؤثر و تمرکز کردن کمک می‌کنند (کرکت، پاریل و هین<sup>2</sup>، 2006). در حالی که مهارت‌های مطالعه اغلب به عهده خود دانش‌آموزان و پشتیبان‌های آنها گذاشته می‌شوند، این مهارت‌ها، اخیراً به‌طور فزاینده‌ای در دبیرستان و دانشگاه تدریس می‌شوند.

1. Atkinson
2. Corkett, Parrila, Hein

کتاب‌ها و وب‌سایت‌های بسیاری در این مورد، وجود دارند. آثاری در مورد روش‌های خاص، مثل کتاب‌های نقشه ذهنی تونی بوزان که راهنمایی‌های کلی در مورد مطالعه موفق ارائه می‌دهد تا راهنمایی‌های کلی مطالعه موفق مثل آثار استلا کوترل و آشنایی با روش‌های یادگیری و مهارت‌های مؤثر یادگیری نوشته رسیپشس رومبزی. در سطح وسیع‌تر، هر مهارتی که توانایی فرد را در مطالعه و قبولی در امتحانات افزایش می‌دهد می‌تواند مهارت مطالعه نامیده شود، این موارد می‌توانند شامل مدیریت زمان و روش‌های انگیزشی باشند (صفوی و دیگران، 1390). مهارت‌های مطالعه، روش‌های جداگانه‌ای هستند که معمولاً در زمان کوتاه و در تمام یا بیشتر زمینه‌های مطالعه می‌توانند آموخته شوند؛ بنابراین باید آنها را از روش‌های خاصی که به یک زمینه خاص از مطالعه مربوط هستند، مثل موسیقی یا فناوری و توانایی‌های ذاتی دانش‌آموزان، مثل جنبه‌های هوشی یا سبک‌های یادگیری، تمیز داد (ایپ و چانگ<sup>1</sup>، 2005). علاوه بر این، عاملی که احتمالاً می‌تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیرگذار باشد هوش اجتماعی است. در مسیر تحولات زندگی اهمیت هوش اجتماعی به‌عنوان یک عامل برای سازگاری مناسب با تحولات بیشتر مشخص شده است و در این میان توانمندی‌های صرفاً عقلایی دیگر نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده خوبی برای موفقیت در زندگی و تحصیل باشند. هوش اجتماعی به ما می‌گوید که چگونه از هوش برای موفقیت در امر تحصیل استفاده کنیم. هوش اجتماعی به ما در جهت شناخت احساسات خود و دیگران، مهارت کافی در ایجاد روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت‌پذیری در مقابل وظایف کمک می‌کند. هوش اجتماعی یعنی توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانش‌ها، عاملی که هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص ایجاد اندیشه و امید می‌کند (تراسی<sup>2</sup>، 2006). در نظام آموزشی ما مشکل اصلی فراگیران به‌ویژه دانش‌آموزان، در فرایند یادگیری از عدم آگاهی دقیق و عمیق از شیوه‌های صحیح یادگیری و ناامیدی زودهنگام به هنگام مواجهه با مشکلات ناشی می‌شود (شعبانی و شفیق پور، 1390). وانجیرا<sup>3</sup> (2014) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر هوش اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی» به این نتیجه رسید که هوش اجتماعی نقش مهمی در انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. والدینی که نگرش مثبتی به امور تحصیلی فرزندان خود دارند، فرزندان‌شان از انگیزه و موفقیت تحصیلی بیشتری بهره‌مند هستند. کونراد، مینگل، و تالانو<sup>4</sup> (2014) تحقیق تحت عنوان «رابطه هوش اجتماعی و سبک‌های

1. Yip & Chung
2. Tracy
3. Wanjira
4. Konrad, Mengel, Vitaliano

هویت با عملکرد تحصیلی» به این نتیجه رسید که سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری دارند. همچنین نتایج نشان داد بین سطوح هوش اجتماعی با میزان عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

گاردنر، فرناندو، ایملی، مارثا<sup>1</sup> (2015) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین سبک‌های مطالعه با خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی» به این نتیجه رسیدند که سبک‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی رابطه مثبتی دارد و منجر به افزایش عملکرد تحصیلی می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد سبک‌های مطالعه با خودکارآمدی رابطه مثبتی دارد و می‌تواند منجر به افزایش خودکارآمدی شود. جارامیلو، میولکی و مارشال<sup>2</sup> (2015) تحقیقی تحت عنوان «رابطه بین هوش هیجانی و انگیزه پیشرفت با عملکرد تحصیلی» انجام دادند. این پژوهش بر روی 380 دانش‌آموز در آن کلام انجام گرفت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد و هوش هیجانی می‌تواند 52 درصد تغییرات مربوط به عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کند. همچنین بین انگیزه پیشرفت با عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد و انگیزه پیشرفت می‌تواند 48 درصد تغییرات مربوط به عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کند. برونک، هیل، لپسلی، تالیب و فینچ<sup>3</sup> (2018) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سبک‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که سبک مطالعه می‌تواند انگیزه پیشرفت و همچنین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

گالا و وود<sup>4</sup> (2017) در پژوهشی تحت عنوان رابطه هوش اجتماعی و انگیزه تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد که هوش اجتماعی می‌تواند عملکرد تحصیلی را در بین دانش‌آموزان پیش‌بینی کند، همچنین انگیزه تحصیلی بالا عملکرد تحصیلی بالا را پیش‌بینی می‌کند. شمس اسفندآبادی و امامی‌پور (1394) پژوهشی تحت عنوان «مطالعه سبک‌های یادگیری در دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه دوره راهنمایی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و جنسیت» انجام دادند. پژوهش بر روی 240 دانش‌آموز دختر و پسر دوزبانه کرد زبان، 240 دانش‌آموز دختر و پسر دوزبانه ترک‌زبان و 240 دانش‌آموز دختر و پسر یک‌زبانه فارسی‌زبان، به ترتیب، در شهرهای سنج، تبریز و تهران اجرا شد و نتایج نشان داد که بین سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دوزبانه (ترک‌زبان و کردزبان) و دانش‌آموزان

1. Gardner, Fernando, Emily, Martha
2. Jaramillo, Mulki, Marshall
3. Bronk & Hill & Lapsley & Talib & Finch
4. Gala and Wood

یک‌زبانه (فارسی‌زبان) تفاوت وجود دارد؛ این‌گونه که دانش‌آموزان یک‌زبانه، در مقایسه با دانش‌آموزان دوزبانه، از سبک یادگیری شهودی و دیداری برخوردارند؛ در حالی که دانش‌آموزان دوزبانه، در مقایسه با دانش‌آموزان یک‌زبانه، سبک یادگیری حسی و کلامی دارند. بین سبک‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. بین سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که سبک یادگیری پسران از نوع دیداری و کلی است؛ در حالی که سبک یادگیری دختران از نوع کلامی و متوالی است.

کیا و حیدری (1395) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین هوش اجتماعی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان» انجام دادند. این پژوهش از نوع کاربردی بود و از روش‌های توصیفی و همبستگی به‌گراآوری داده‌ها پرداخت. جامعه آماری مورد مطالعه شامل 1829 نفر دانشجو بود که 358 نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از این جامعه انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان هوش اجتماعی و تمام مؤلفه‌های آن با رشد تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. میانگین نمره دختران در مؤلفه‌های خودانگیزی و خودکنترلی هوش اجتماعی از میانگین نمره پسران در این مؤلفه‌ها بیشتر است؛ بین میانگین نمره پسران و میانگین نمره دختران در دیگر مؤلفه‌های هوش اجتماعی تفاوتی معنی‌داری وجود ندارد و میانگین نمره میزان رشد تحصیلی پسران و دختران تفاوت معنی‌داری ندارند.

روندهای کلی نشان می‌دهند که علاوه بر توانایی‌های شناختی، با آموزش مهارت‌های هوش اجتماعی و پرورش مؤلفه‌های آن در دانشجویان می‌توان مهارت‌های تحصیلی آنان را به میزان چشم‌گیری افزایش داد. خدابی (1395) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال ششم مقطع دبستان شهرستان گرمسار» انجام داد. پژوهش وی با هدف بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع ششم دبستان انجام گرفت و یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل 350 دانش‌آموز مقطع ششم دبستان شهرستان گرمسار بود که با استفاده از فرمول کوکران 183 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که بین هوش اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع ششم دبستان شهرستان گرمسار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که دو مؤلفه هوش اجتماعی، مؤلفه خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری دارای قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معنی‌داری بر روی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان هستند. در پژوهش خدابی مشخص شد بین هوش اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، بنابراین به‌منظور رسیدن به سطح بالایی از مهارت‌های

تحصیلی، علاوه بر توانایی شناختی کلی، فرد باید به رشد مناسب در جنبه‌هایی همچون کنترل هیجانات و عواطف دست یابد. در این راستا، این پژوهش سعی دارد هوش اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز را بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی آنها پیش‌بینی کند تا به بهبود فرایند یادگیری و آموزش کمک کند و زمینه‌بaldنگی فرزندان این مرز و بوم را فراهم کند؛ همچنین از تحمیل هزینه‌های اضافی بر دوش نظام آموزشی و دولت بکاهد تا به پرورش جامعه‌ای پویا و رشدیافته کمک کند.

### سؤالات پژوهش

- 1- آیا سبک مطالعه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز قادر به پیش‌بینی سطوح هوش اجتماعی این دانش‌آموزان است؟
- 2- آیا عملکرد تحصیلی (علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی) دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز قادر به پیش‌بینی سطوح هوش اجتماعی این دانش‌آموزان است؟

### روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر شیراز است که در سال تحصیلی 1398 مشغول به تحصیل بودند. چون حجم کل جامعه مورد مطالعه برای محقق نامعلوم بود، حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و درصد خطای  $d=0/07$  به طور تقریبی 200 به دست آمد. بنابراین نمونه آماری پژوهش حاضر متشکل از 200 نفر بود و نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. به این صورت که از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز، ناحیه 2 و 4 به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر ناحیه دو دبیرستان متوسطه دوم پسرانه و دو دبیرستان متوسطه دوم دخترانه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند. از هر مدرسه نیز یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. در مجموع 8 کلاس به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. جدول زیر حجم نمونه را نشان می‌دهد:

جدول 1. اطلاعات آماری مربوط به حجم نمونه

نام دبیرستان	جنسیت	ناحیه	تعداد
مدرسه شاهد	دخترانه	دو	26
مدرسه درخشش	دخترانه	دو	24
مدرسه شاهد	دخترانه	چهار	27
مدرسه نرجس	دخترانه	چهار	25
مدرسه توحید	پسرانه	دو	24
مدرسه معارف	پسرانه	دو	26
مدرسه رازی	پسرانه	چهار	25
مدرسه امام خمینی	پسرانه	چهار	23

### ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش

#### الف) پرسش‌نامه هوش اجتماعی

مقیاس هوش اجتماعی ترومسو توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل (2001) ساخته شده است. نسخه اصلی این پرسش‌نامه دارای 21 ماده است، اما در پژوهشی که به منظور بررسی روایی و پایایی آن در ایران انجام شده، سه گویه حذف شده و نسخه 18 ماده‌ای دارای روایی و پایایی مناسبی گزارش شده است (رضایی، 1389). سیلورا و همکاران (2001) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را به روش آلفای کرونباخ محاسبه کردند. آنان پایایی پرسش‌نامه برای زیرمقیاس‌های اطلاعات اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را به ترتیب 0/81، 0/79 و 0/86 گزارش کردند. این پرسش‌نامه دارای 21 سؤال بوده و هدف آن سنجش هوش اجتماعی افراد و خرده‌مقیاس‌های آن (خرده‌مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)، خرده‌مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)، خرده‌مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS) است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت با هفت درجه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق است. در پژوهش رضایی (1389) پس از تأیید روایی صوری مقیاس، پایایی یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2. مقدار آلفای کروناخ در پرسش‌نامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو

آلفای کروناخ	بعد
0/73	خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)،
0/66	خرده مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)
0/64	خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS)
0/81	کل

در این پژوهش، آلفای کروناخ برای پرسش‌نامه مقیاس هوش اجتماعی ترومسو به شرح زیر است:

آلفای کروناخ	بعد
0/72	خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی (SIP)،
0/70	خرده مقیاس آگاهی اجتماعی (SA)
0/67	خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی (SS)
0/83	کل

### ب) پرسش‌نامه سبک‌های مطالعه

این پرسش‌نامه برای توصیف منظم شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان تدوین شده است، طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت با پنج درجه از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. پرسش‌نامه رویکردهای مطالعه به‌وسیله مارتون و سلجو (1996) با ترجمه احد نویدی (1383) تدوین شده که باکارهای انت و وایستل و رامسدن (2000) کامل‌تر شده است. این پرسش‌نامه سه رویکرد عمده را اندازه‌گیری می‌کند که هر رویکرد نیز از مقیاس‌های فرعی تشکیل شده است. پایایی با روش آلفای کروناخ برای ابعاد مختلف بین 0/42 تا 0/79 گزارش شده است (مارتون و سلجو، 1976). در این پژوهش نیز پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کروناخ در رویکرد عمیق 0/78، رویکرد راهبری 0/81 و رویکرد سطحی 0/82 و رویکرد سطحی 0/71 به دست آمد. رویکردهای عمده و مقیاس‌های فرعی مربوط به هر یک به شرح زیر است:

1- رویکرد عمیق: این رویکرد شامل چهار مقیاس فرعی است که برای اندازه‌گیری هر مقیاس چهار ماده اختصاص یافته است.

الف) جستجوی معنا: سؤال‌های 43، 30، 17 و 4 به این مقیاس اختصاص دارد.

ب) ارتباط دادن عقاید و مفاهیم به یکدیگر: این مقیاس شامل سؤال‌های 46، 33، 21 و 11 است.



- ج) استفاده از مدرک و شواهد: این مقیاس سؤال‌های 49، 36، 23 و 9 را در بر می‌گیرد.
- د) علاقه‌مند بودن به موضوعات: سؤال‌های 52، 39، 26 و 13 به این مقیاس اختصاص یافته‌اند.
- 2- رویکرد راهبردی: این رویکرد شامل پنج مقیاس فرعی است که برای هر مقیاس چهار ماده اختصاص دارد.
- الف) مطالعه سازمان‌یافته: مواد 40، 27، 14 و 1 به این مقیاس تعلق دارند.
- ب) مدیریت زمان: شامل سؤال‌های 44، 18، 13 و 5 است.
- ج) هوشیاری نسبت به ارزیابی تکالیف یادگیری مورد انتظار: مواد 41، 28، 15 و 2 با این مقیاس می‌پردازند.
- د) پیشرفت و موفقیت: مواد 50، 37، 24 و 10 برای اندازه‌گیری این مفهوم در نظر گرفته شده است.
- ه) نظارت بر اثربخشی: مواد 47، 34، 20 و 7 به این مقیاس تعلق دارند.
- 3- رویکرد سطحی بی‌تفاوتی: این رویکرد شامل چهار مقیاس فرعی است که عبارت‌اند از:
- الف) نداشتن هدف: که شامل سؤالات 42، 29، 16 و 3 است.
- ب) حفظ کردن مطالب بی‌معنی و نامربوط: شامل سؤالات 45، 32، 19 و 6 است.
- ج) التزام به سرفصل‌های برنامه درسی: شامل سؤالات 51، 38، 25 و 12 است.
- د) ترس از شکست: شامل سؤالات 48، 35، 22 و 8 است.
- ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه بین 0/52 تا 0/74 گزارش شده است.

### ج) پرسش‌نامه عملکرد تحصیلی

این آزمون برداشتی است از پژوهش‌های فام و تیلور (1999) که از جانب درتاج (1383) برای جامعه ایران ساخته شده است و دارای 48 سؤال است. میزان پایایی این آزمون از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برابر 0/74 به دست آمد. روایی این آزمون از طریق دو روش روایی محتوا و روایی سازه ارزیابی شد (درتاج، 1383). میزان پایایی هر کدام از حیطه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از عامل اول خودکارآمدی (برابر 0/92)؛ عامل دوم تاثیرات هیجانی (برابر 0/93)؛ عامل سوم برنامه‌ریزی (برابر 0/72)؛ عامل چهارم فقدان کنترل پیامد (برابر 0/64) و عامل پنجم انگیزش (برابر 0/72). میزان پایایی هر یک از خرده‌مقیاس‌ها در این پژوهش نیز برابر است با خودکارآمدی 0/72، تأثیرات هیجانی 0/76، برنامه‌ریزی 0/86، فقدان کنترل پیامد 0/73، انگیزش 0/79. برای نمره‌گذاری عملکرد تحصیلی از مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده می‌شود که دارای نمرات صفر تا چهار است.

پایایی پرسش نامه در این تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد و 0/89 به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب است.

### یافته ها

به منظور بررسی پیش بینی هوش اجتماعی بر اساس سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی از آزمون رگرسیون به روش ورود هم زمان استفاده شد که نتایج این تحلیل در جدول شماره 3 ارائه شده است.

الف: متغیرهای پیش بین: سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی

ب: متغیر ملاک: هوش اجتماعی

جدول 3. نتایج تحلیل رگرسیون هوش اجتماعی بر حسب سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی به روش هم زمان

R <sup>2</sup>	R	F	P	t	Beta	SE	B	
0/385	0/621	12/101	0/009	0/77	-	0/730	0/127	(ثابت)
			0/006	1/660	0/312	0/018	0/317	سبک مطالعه
			0/004	1/159	0/367	0/021	0/389	عملکرد تحصیلی

با توجه به مقدار  $R^2$  (مجذور ضریب همبستگی) به دست آمده در جدول 3 نشان داده شد که 38 درصد واریانس کل هوش اجتماعی توسط دو متغیر سبک مطالعه و عملکرد تحصیلی قابل پیش بینی است. تحلیل واریانس روی همین مدل نیز با توجه به مقدار  $F(2, 197) = 12/101$ ،  $(P = 0/01)$  حاکی از معنی داری مدل کلی است. برای اطلاع از سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس متغیر هوش اجتماعی، ضرایب Beta بررسی می شود. با توجه به جدول شماره 3 هوش اجتماعی دانش آموزان توسط دو متغیر هوش هیجانی و عزت نفس پیش بینی می شود و این متغیرها دارای رابطه مثبت هستند.

به منظور بررسی پیش بینی هوش اجتماعی بر اساس مؤلفه های سبک مطالعه از آزمون رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد تا بدین وسیله به ترتیب همبستگی بیشتر، متغیرها وارد مدل شوند و اگر متغیری دارای همبستگی غیر معنادار بود حذف شود. نتایج این تحلیل در جدول شماره 4 ارائه شده است.

الف: متغیرهای پیش بین: مؤلفه های سبک مطالعه

متغیر ملاک: هوش اجتماعی

جدول 4. نتایج تحلیل رگرسیون هوش اجتماعی بر حسب مؤلفه‌های سبک مطالعه به روش گام‌به‌گام

گام	متغیرهای پیش‌بین	Beta	t	P	R	R <sup>2</sup>	F	df	p
اول	علاقه‌مند بودن به موضوعات	0/35	5/37	0/0001	0/35	0/13	28/87	1/198	0/0001
دوم	علاقه‌مند بودن به موضوعات	0/30	4/64	0/0001	0/44	0/20	24/51	2/197	0/0001
	پیشرفت و موفقیت	0/27	4/20	0/0001					
سوم	علاقه‌مند بودن به موضوعات	0/30	4/77	0/0001	0/49	0/24	20/94	3/196	0/0001
	پیشرفت و موفقیت	0/23	3/60	0/0001					
	نظارت بر اثربخشی	0/21	3/35	0/001					

از نتایج آزمون تحلیل واریانس گام سوم در جدول 4 ( $F(196 و 3) = 20/94$ ،  $(P < 0/01)$ ) می‌توان استنباط کرد که بین متغیر پیش‌بین (علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی) با متغیر ملاک (هوش اجتماعی) رابطه خطی معنی‌دار وجود دارد و علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی به‌طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی هوش اجتماعی است. مجذور ضریب همبستگی چندگانه برابر با 0/24 است، این بدان معنی است که روی هم حدود 24 درصد واریانس هوش اجتماعی توسط علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی قابل پیش‌بینی است. علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. و سایر مؤلفه‌های سبک مطالعه چون تغییر معنی‌داری در ضریب تعیین ایجاد نمی‌کنند، وارد مدل نمی‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول 3 مشاهده می‌شود، سبک مطالعه با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. همچنین در جدول 4 مشاهده می‌شود که ابعاد علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش گالاو وود (2017)، برونک، هیل، لپسلی، تالیب و فینچ (2018)، وانجیرا (2014) همسو است. برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت زمانی که دانش‌آموزان دارای هوش اجتماعی باشند، معمولاً به یکدیگر نزدیک شده و کمتر یکدیگر را به خاطر نظرهای مختلف و یا غیرقابل قبول سرزنش می‌کنند. این دانش‌آموزان سعی می‌کنند ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی را برگزینند و برای رسیدن به آنها تلاش و کوشش کنند که این امر منجر به علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت و موفقیت و نظارت بر اثربخشی بین آنها خواهد شد. از طرف دیگر همکاری و همیاری سایر دانش‌آموزان نیز می‌تواند در این امر دخیل باشد، ایجاد انگیزه از سوی

دانش‌آموزان می‌تواند آنها را برای خودکارآمدی بیشتر سوق دهد و به موفقیت بیشتری دست یابند. همچنین این دانش‌آموزان جنبه‌های مثبت زندگی و اهداف خلقت جهان و انسان را از نظر دور نمی‌دارند. از این‌رو، در زندگی دچار یأس و ناامیدی و خودباختگی نشده و به احتمال کم دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند. آنها با حوادث و رویدادهای محیط خود، به‌طور عقلانی برخورد می‌کنند و با روش‌بینی و منطق با آنها روبرو می‌شوند. درنهایت در مواجهه با رویدادهای دشوار، استقامت و پشتکار زیادی به خرج می‌دهند و از منابع مختلف فردی و محیطی، بازخوردهای مثبت می‌گیرند که این بازخوردها به نوبه خود به‌عنوان تقویت‌کننده یا قدرت‌دهنده به علاقه‌مند بودن به موضوعات، پیشرفت، موفقیت و نظارت بر اثربخشی عمل می‌کنند.

همان‌طور که در جدول 3 مشاهده می‌شود، عملکرد تحصیلی با سطوح هوش اجتماعی رابطه مثبتی دارد. این نتایج با نتایج پژوهش خدابی (1395)، کیا و حیدری (1395)، جارامیلو، میولکی و مارشال (2015)، کونراد، مینگل، وتالانو (2014) همسو است. برای تبیین این فرضیه می‌توان گفت هوش اجتماعی در دانش‌آموزان، می‌تواند منجر به خودمختاری در آنها شود. این دانش‌آموزان می‌توانند روی فرصت‌های ارتقاء تحصیلی و غلبه بر موانع متمرکز شوند، با ابتکار و پشتکار به فعالیت بپردازند و با تلاش‌های خود موفقیت‌هایی کسب کنند و با وجود پیامدهای منفی به‌آسانی منصرف نمی‌شوند. آنها تجربه‌های خود را در اختیار همکلاسیان خود قرار می‌دهند و برای فعالیت‌های آنان و خودشان ارزش قائل می‌شوند که می‌تواند منجر به احساس سبکی و آرامش در آنها شود و هراس و نگرانی را از آنان بزداید. آنها از هشیاری و آگاهی بیشتر و نگرش مثبت‌تر نسبت به زندگی برخوردارند که می‌تواند افزایش عملکرد تحصیلی در آنها را به دنبال داشته باشد. درواقع این دانش‌آموزان بیشتر می‌توانند فعالیت کنند و از انعطاف‌پذیری و مقابله مؤثر با عوامل و موقعیت‌های استرس‌زا برخوردارند که می‌تواند به افزایش پیامدهای موفقیت‌آمیز و وجود چالش‌های مؤثر بیانجامد. آنها بهتر می‌توانند در موقعیت‌های دشوار و ناخوشایند فعالیت کنند و صدمه‌پذیری کمتری دارند. همچنین از توانایی بالایی در برابر رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارض‌ها برخوردارند و در برابر رویدادها، احساس مسئولیت و انصاف و ارزش بیشتری دارند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود. این دانش‌آموزان نسبت به توانایی علمی خود اعتماد بیشتری دارند، بهتر می‌توانند مطالب درسی را یاد بگیرند و احساس و نگرش مثبتی نسبت به توانایی‌های خود دارند، از خلاقیت بیشتری برخوردارند و بهتر می‌توانند با همکلاسیان خود ارتباط برقرار کنند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود.

همچنین این دانش‌آموزان احساس می‌کنند بر سرنوشت خود کنترل دارند، با همکلاسیان خود سازگارترند و از مسؤلیت‌پذیری بیشتری برخوردارند. این افراد احساس توانایی بالای دارند و از احساس مفید بودن و شایستگی برخوردارند که می‌تواند منجر به دقت در انجام دادن وظایف و فعالیت‌ها و در نهایت افزایش عملکرد تحصیلی شود. به عبارتی این افراد توانایی و ظرفیت بیشتری در کلاس درس دارند، از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند و خود را مطابق با تغییرات محیطی خود وفق می‌دهند. همچنین می‌توانند فعالیت‌های درسی را به خوبی و با موفقیت انجام دهند، بیشتر فعالیت کنند، به حجم کار بیشتری پردازند، از کنترل بالاتری در کلاس برخوردار باشند و بهتر در موقعیت‌های دشوار و ناخوشایند کنار بیایند که می‌تواند منجر به افزایش عملکرد تحصیلی شود.

در مسیر اجرای هر پژوهشی، محدودیت‌هایی وجود دارد و این مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و محدودیت‌هایی داشته است؛ از جمله توجه نبودن پرسنل اداره‌های آموزش و پرورش و مسئولین مدرسه به ضرورت اجرای چنین طرح‌هایی که باعث همکاری ضعیف شد. همچنین هنگام پاسخ دادن به سؤالات، بی‌دقتی‌هایی در دانش‌آموزان دیده شد که ناشی از عدم توجه آنها درباره اهمیت پاسخ‌های آنها و همچنین عدم تقویت تغذیه‌ای آنها بعد از اتمام پاسخ‌گویی توسط گروه‌های مختلف بود.

در راستای نتایج حاصل از این مطالعه نیز پیشنهادهایی ارائه می‌شود تا اهداف پژوهش محقق شود:

1- در تولید و انتخاب کتب درسی سعی کنیم محتواهای مربوط به هوش اجتماعی را برگزینیم تا به افزایش روحیه همکاری و فعالیت‌های دسته‌جمعی و تبع آن جامعه‌پذیر کردن هر چه بیشتر دانش‌آموزان نزدیک و نزدیک‌تر شویم.

2- با برگزاری کلاس و کارگاه‌های متنوع، هوش اجتماعی دانش‌آموزان را بالا ببریم تا به مرور تأثیر خود را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بگذارد.

## منابع

حقانی، فریبا و طلعت خدیوزاده. (1394). «تأثیر دوره آموزش کارگاهی مهارت‌های مطالعه و یادگیری بر راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان استعداد درخشان». *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، 4(9)، 39-61.

خدای، شقایق. (1395). «بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال ششم مقطع دبستان شهرستان گرمسار». *کنگره بین‌المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم*، تهران: مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.

- در تاج، فریبرز. (1383). بررسی تأثیر شبیه سازی ذهنی فرآیندی و برآیندی در بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان، ساخت و هنجاریابی آزمون عملکرد تحصیلی. پایان نامه دکتر، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیف، علی اکبر. (1392). روش های آموزش و یادگیری. تهران: انتشارات دوران.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (1391). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، احمد و محمدرضا شفیع پورمطلق. (1390). «بررسی مقایسه میزان آگاهی دانشجویان از شیوه های مطالعه». مجلات اطلاع رسانی و کتابداری، 54، 35-55.
- شمس اسفندآبادی، حسن و سوزان امامی پور. (1394). «مطالعه سبک های یادگیری در دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه دوره راهنمایی و رابطه آن با عملکرد تحصیلی و جنسیت». نوآوری های آموزشی، 28-11.
- صفوی، محبوبه و دیگران. (1390). «آمادگی خود راهبری در یادگیری و سبک های یادگیری در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان». مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، 10(1)، 27-36.
- کیا، علیرضا و اعظم حیدری. (1395). «بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان». فصل نامه علمی - پژوهشی توسعه اجتماعی، 1(41)، 53-72.
- مرادی مقدم، محمود. (1390). «نگاهی به آمار نتایج امتحانات سال تحصیلی 1390». پژوهش نامه آموزشی پژوهشکده تعلیم و تربیت، 73.
- نسیم، سعید و دیگران. (1392). «ارتباط راهبردهای شناختی، فراشناختی و تعاملات دانشجویان در آموزش مجازی با پیشرفت تحصیلی». مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، 16(4)، 73-96.
- Bronk, F., Hill, D., Lapsley, T., Talib, H.J., & Finch, J. (2018). Achievement goals in the classroom: student learning strategies and motivation processes. *Journal of educational psychology*, 80, 260-267.
- Corkett, G. K., Parrila, R., & Hein, S.F. (2006). Learning and study strategies of university student who report a significant history of reading difficult. *Development Disabilities Bulletin*. 34(1&2), 57-79.
- Gala, G.H., & Wood, M.A. (2017). The relationship between emotional intelligence and academic motivation with students' academic performance. *communication year book*, 28, 36-68.
- Gardner, D., Fernando, H., Emily, S., & Martha L. (2015). Relationship between study styles with self-efficacy and academic performance. *New Directions for Adult and continuing Education*, 67, 19-32.
- Marton, F., & Saljo, R. (1976). On gultitative difference in learning: 1. Outcome and process. *British of Educational Psychology*, 46, 4-11.
- Tracy MD. (2006) *The Relationship Between Emotional Intelligence and Job Satisfaction: Testing the Claim that Emotional Intelligence Quotient Predicts Level of Job Satisfaction* Ph.D. thesis, Capella University.

- Wanjira, M. L. (2014). *The Effect of Emotional Intelligence on Academic Achievement*. Unpublished thesis. Kenyatta University.
- Yip, M. C. W., & chung, O. L. L. (2005). Relationship of Study Strategies and Academic Performance in Different Learning Phases of Higher Education in Hong Kong. *Journal of Educational Research and evaluation*, 11(1), 61-70.

## **Prediction of Social Intelligence Based on Study Style and Academic Performance of Secondary School Students in Shiraz**

Mohammad Baseri<sup>1</sup>, Mohammad Reza Rastegar<sup>2</sup>, Ehsan Talebi<sup>3</sup>,  
Mostafa Mazarei<sup>4</sup>

### **Abstract**

This study aimed to investigate the prediction of social intelligence based on the study style and academic performance of secondary school students in Shiraz. The statistical population of this study included all high school students of second year in Shiraz who were studying in the academic year 2018-2019. The statistical sample of this study consisted of 200 people who were selected through multi-stage cluster sampling. Two schools were randomly selected from four educational districts in Shiraz, two male 'high schools and two female' high schools were randomly selected from each district, and one class was randomly selected from each school. Tromso's social intelligence questionnaires, Pham's and Taylor's academic performance questionnaires, and Marton's and Seljo's study styles questionnaires were administered to them. The data were analyzed using regression and stepwise method. The results showed that study style had a positive relationship with social intelligence levels. The dimensions of being interested in topics, progress and success, and monitoring effectiveness are positively correlated with levels of social intelligence. Academic performance is positively correlated with levels of social intelligence.

**Keywords:** Social intelligence prediction based on study style.

- 
1. Master of Curriculum Planning, Farhangian University, Iran, Corresponding Author, mohammadbaseri353@yahoo.com.
  2. Master of Educational Research, Farhangian University, Iran.
  3. Student of Farhangian University, Iran.
  4. Student of Farhangian University, Iran.